

امرواجب است شر آنها را از مسلمانان دور کنند. از مسند درس فرودشان اندازند ، از شهر و دیارشان بیرون رانند و مجازاتهای سخت بر مباشرین این فتنون روا دارند . بر ولی امر واجب است فلاسفه را مخیر کند میان قبول اسلام یا دم شمشیر تا آتش فتنه فرو نشیند و آثار آنها بکلی از روی زمین محو شود ، او باید هر مدعی را که تمایل به علوم عقلی دارد از مدرسه بیرون کند ، به زندان افکند یا لاقل نگذارد از خانه پای بیرون نهند . . . «

این فتوای عجیب مولود طرز تفکر محیط سنیان متمصب آن عصر است . جلال الدین سیوطی مفسر قرآن و دانشمند بنام مصر ، ساده لوحانه اعتراف می کند: «در آغاز دانش اندوزی به منطق روی آوردم ولی خداوند کراهت آنرا به دلم انداخت و هنگامی که فتوای ابن صلاح در حرمت منطق بگوشم رسید بکلی آنرا ترك کردم و در عوض به حدیث که اشرف علوم است روی آوردم ، و اضافه میکند : «منطق علم یهود و نصارا است . «

سیف الدین علی الامدی (۴ - ۶۳۱) که از فقهای حنبلی بود و در حدیث و اصول فقه و علم کلام شأن بزرگی داشت چون در ضمن تدریس علوم شرعیه منطق را نیز درس می داد متهم به زندق شد و حتی وی را مهدور الدم کردند . از این رو مخفیانه از مصر فرار کرده به شام رفت .

بیزاری جستن از عقل اختصاص به امثال ابن صلاح یا سیوطی ندارد . اینها افراد شاخص طبقه ای هستند که از تحرك اندیشه در هراسند زیرا می ترسند ، خراشی به معتقدات ساخته و پرداخته شان برسد .

ابو مسلم و منصور

روزی منصور خلیفه عباسی در میان خیل خویشان و امراه عباسی نشسته بود و سخن از کیفیت انقراض بنی امیه و دست یافتن عباسیان به خلافت می رفت . منصور با مباحثات می گفت «من به رجال بزرگی که خلفای بنی امیه بدانها دست یافتند و فرمانروائی خود را پایدار ساختند دست نیافتم ، مردی چون عمرو بن - الماص به معاویه خدمت کرد و مرد دیگری چون حجاج بن یوسف ، عبدالملک بن مروان را در مقام خود استوار ساخت . «

مهدی برادرش بسخن آمده و گفت «ای امیر المؤمنین تو به خدمتگزار توانا تر از هر دوی آنها دست یافتی . «

منصور گفت مقصود تو «ابو مسلم خراسانی است ؟» گفت «آری» ، آنگاه منصور گفت «آری او چنین بود و از هر دوی آنها برتر بود ولی ما در مقابل یکی از دو قضیه واقع شده بودیم : یا او ما را بکشد و یا ما او را بکشیم از اینرو ترجیح دادیم که ما او را بکشیم . «

هفت تلگراف

از تقی زاده درباره التیماتوم روسیه

خوانندگان این سطور قطعاً سابقه قضیه التیماتوم روسیه در سال ۱۳۲۹ قمری (۱۹۱۱ میلادی) به دولت ایران را می‌دانند ولی شاید عده‌ای ندانند سید حسن تقی زاده که در آن وقت در لندن بود تلگرافهایی به زعمای سیاست آن روزگار کرده و عقاید خود را ابراز داشته است. چون مسوده این تلگرافها به دست من رسیده درج آنها را در این صفحات برای روشن شدن گذشته‌ای از تاریخ عصر مشروطیت مفید می‌دانم بخصوص که یادگاری و اشارتی است از شخصیت تقی‌زاده و نحوه ابراز نظریات سیاسی او بطور مستقل و آزاد.

ایرج افشار

- ۱ -

آقای وثوق‌الدوله نهایت تحیر از خودداری اولیای امور در موقع خطر استقلال و استیلای خارجه حاصل. حضرت تعالی که همیشه از فداکاری بحث می‌کنید باید درین موقع از حسن شهرت نیز صرف‌نظر کرده هر چه زودتر تا فردا شب استعفا را پس گرفته ار روس عذر خواهی کنید و با غیرت ملی مملکت را از خطر نجات دهید (۱). والا خوف از افکار عمومی نیز سلب مسئولیت تاریخی را نخواهد کرد. استدعا دارم باکمال عجله غیرتی بفرمائید که وضع بسیار خطرناک است.

- ۲ -

مؤتمن‌الملك رئیس مجلس بعد از نهایت اضطراب و تحیری که از يك هفته به این طرف دوچارش بودم هرگز گمان نمی‌کردم که دولت و ملت ایران سربك عذرخواهی مملکت را به باد دهد و از شدت تحیر در حل سر این مسئله مبهوت بودم. تا آن که

۱- تقی زاده «بجهانید» نوشته و دیگری که خط خوشی داشته بر آن خط زده و نوشته است «نجات دهید» این خط همان کسی است که متن تلگراف دیگری که بعداً نقل می‌شود به خط اوست.

گمان کردم که نیر از شست (۲) رفت . ولی اخبار امروز راجع به اینکه التیماتوم را تا سه شنبه تمدید کردند شعلهٔ امیدی در دلم روشن کرد که بلافاصله به عرض فوری این تلگراف مبادرت کردم . نمی‌دانم در میان اولیای امور کسی نیست که اهمیت موقع را کاملاً بسنجد و بداند که همهٔ عالم ما را تقبیح می‌کنند که سر یک عذر خواهی این همه ایستادگی کنیم . از جناب عالی شخصاً به نام وطن التماس می‌کنم که درین دم آخر در صورت امکان تعمیر غیرتی فرمائید و نصیحتی بدهید که این طوفان بلا که وسیلهٔ انقراض است بگذرد و فرصتی پیدا شود . و گر به رب ارجعون فایده نخواهد داد . اگر نمری به اظهار این عرایض خالصانهٔ من که از یک قلب مضطرب خارج شده تصور فرمائید در مجلس ارائه دهید و بهر حال همین فردا یک کابینهٔ فوری ولو یک هفته‌ای تشکیل داده عذر خواهی و تعمیر کنید که وقت فوت نشود .

- ۳ -

مؤتمن‌الملک رئیس مجلس از سختی اولیای امور در باب التیماتوم نهایت تحیر حاصل . زبان عالم به توبیخ باز شده . چگونه مجلس مسئولیت عظیم تاریخی سرنوشت یک مملکت قدیم را در مقابل اخلاف و استقبال با این جرئت بعهدہ گرفته از زوال مملکت اغماض می‌کند . در صورتیکه کمال یأس و اضطراب از اینکه دولت و ملت ایران سر یک عذر خواهی مملکت را به باد دهید داشتیم . از اخبار امروز دائر بر امتداد مهلت التیماتوم تا سه شنبه جرئت گرفته به عرض این تلگراف مبادرت کردیم . از جناب عالی شخصاً به نام وطن التماس می‌کنیم که درین موقع خطرناک همت بفرمائید و نصیحتی به جرئت بدهید که بوسیلهٔ استرداد استعفای [کابینه] و عذر خواهی فوری وطن را از خطر زوال نجات بدهید . تلگراف را به مجلس می‌توانید ارائه بدهید . اتحاد مجلس درین نقطهٔ نظر از واجبات است . عجله کنید که فی التأخیر آفات .

- ۴ -

سلیمان میرزا . مجلس بسیار متحیرم ازین طرز رفتاری که مجلس در مسئلهٔ

التیماتوم پیش گرفته و زبان عالم را به تعیب خود باز کرده مسئولیت عظیم تاریخی سر نوشت يك ملت قدیم را در مقابل اخلاف و استقبال با کمال جرئت به دوش گرفته و از زوال مملکت اغماض می کند . عتاد و لجاج در این موقع لعنت ابدی دارد . کل اولیای امور از مجلس و دولت باید مثل وجود واحد متحد شده خطر را بگذرانند . در صورت عدم فوت فرصت بلاآفاته يك ساعت فردا کابینه ای تشکیل کرده عذر خواهی بکنید و الا خطای غیر قابل تعمیری خواهد شد .

- ۵ -

جناب آقا سید محمد رضا شیرازی (۱) اتفاق حقیقی کامل کل وطن پرستان و مشروطه طلبان و حرکت همه احزاب و مشتغلین به سیاست مثل وجود واحد و داشتن يك دولت مقتدر مستحکم غیر متزلزل و ثابت با نفوذ از واجبات فوری و تأخیر در آن اسباب خطر و تباهی کار . احتراز شدید از اشغال شدن پایتخت اقدم و ظایف . از عهدہ گرفتن يك جمع مسئولیت تقدیر مملکت را حذر نمائید . کار را البته نگذارید از دست اولیای امور خارج شود و به دست ازدحام بیفتد . به عموم دوستان مطلب را حالی فرمائید . سعی بلیغ بیفرضانه جناب عالی لازم و ما علینا الا البلاغ . بانهایت میل به عدم هیچ نوع مداخله از چیزی که تکلیف وطن پرستی می داند امساک نمی توانم . این جسارت آخری است . اگر ملاحظه ای دارید بفرمائید . تقی زاده .

سواد تلگراف سردار اسعد

با دولتین مشغول مذاکره هستیم که بطور مسالمت کار را اصلاح کنیم و نگذاریم قشون روس پایتخت را اشغال کند . دمکراتها بر ضد دولتین روس و انگلیس و دولت علیه ایران مردم را تحریک می کنند و به هیجان می آورند که با قشون روس جنگ کنند . تلگراف شما را هم بر ضد انتشار داده اند . لازم است فوراً آنها را متنبه نموده ازین اقدامات و تحریکات منع کنید که دقیقه ای تأخیر اسباب خطر و به بادرفتن مملکت است . علیقلی .

جواب تقی زاده

آقای سردار اسعد تلگراف زیارت. آنچه از دست ماجزیر آید کوتاهی ندارد. امیدوارم حضرت تعالی نیز به شفقت و ملامت در تقریب افکار بکوشید و مقتضای حزم و متانت را مراعات فرمائید. حتی الامکان دو نکته را دقت لازم است که عبارت از تحصیل اطمینان از نبودن مطالبات و تکالیف دیگر و از عودت قشون کاملاً باشد. به آقایان و کلاء تلگراف مفصل عرض کردم. امیدوارم حضرت تعالی هم اهتمامی فرمائید مذاکره دوستانه و مودت موافقت آراء حاصل شود و بالاخره متفقاً به نتیجه رفع خطر و حفظ ظاهر و شرف رسیده شود. به موفقیت صلحی شما دعا می کنم که بتوانید بی حادثه ای ناموافق این پل را بگذرید. باریکی موقع، مقتضی مال اندیشی و عقل بسیار کامل است. فردا عازم اسلامبول هستم. تقی زاده.

مؤمن الملك، سلیمان میرزا، وحید الملك اگر چه ابدأ نمی خواهم در اوضاع حالیه دخالتی کرده و در مسئولیت تقدیر مملکت شریک باشم، لکن شدت اضطراب و پریشانی مجبورم می کند که میان خود و خدا آنچه تکالیف وطن پرستی می دانم اهمال نکنم. چند روز پیش هم تلگرافی در لزوم اجتناب بقدر امکان از مقاومت فعلی و احتراز از درستی و سختی به مجلس عرض کردم. گمان می کنم هیچ عاقلی در دو نکته شك نداشته باشد: یکی آنکه هر چه با خارجه معامله می شود از مدارا و استقامت باید در این موقع بالاتفاق بشود. دیگر آنکه مقاومت مسلح و تحریم و تبییح افکار مضر است و به قدر مقدور از تجربه اش باید صرف نظر کرد که خدای نخواستہ سبب محو نور امید می شود. در خود مسئله اینجانب هیچ رأیی اظهار نمی کنم. آنچه دولت و ملت باتفاق قرار بدهند بهترست. بهر حال احتراز شدید از اشغال پایتخت لازم است که در آن صورت بکلی ورق برمی گردد. دیروز در پارلمان (۱) نطق وزیر خارجه را در

باب سیاست خارجی انگلیس در ایران شاهد بودم . بسیار تهدید آمیز بود و صریحاً می‌گویند که باید يك حکومت ثابت و مستحکم مقتدر با نفوذ در ایران برقرار کنیم که از تزلزل دائمی و مقهوریت مصون باشد . لذا عقیده هر وطن پرستی غیر از این نخواهد بود که ملت خود با گذشت و فداکاری تقویت لازم را به دولت کرده نگذارند این استحکام و قدرت به کمک اجانب حاصل شود که بالنتیجه هم از طرف استقلال و حریت زیان بیشتر برده و هم خدای نکرده بهترین عناصر وطن پرست ایران قربان شهادت و حماست گشته و بی هنران جای ایشان بگیرند و مایه مملکت کم می‌شود . جانبازی وقتی خوب است که رأی اجتماعی باشد و اخلاف در پی قدم فداکاران بروند و هم نتیجه‌ای داشته باشد . پس بدون میل بهیچ نوع مداخله و اخلال اموری که بقدر کفایت مختل است عقیده شخصی خود را که ناشی از قلب مضطرب و با خلوص نیت صمیمی است ولو در نظر بعضی صواب دیده نشود می‌گویم که به نظر من بهترین حرکت ملت و مجلس و علما و غیرهم درین مقام تفویض امور با مسئولیت آن به هیأت جامعه دولت و مقامات عالیه رسمیه و دادن اختیار و قدرت کامل به آنهاست و اقلاً به هر حال کمال جهد و اهتمام لازم است در اینکه هر چه می‌شود با تفاق اختیاری بوده هیچ نوع مسئولیت تاریخی به عهده يك جمع نیفتد . اگر و کلا درست تأمل فرمایند وسایل قانونی برای سلب مسئولیت از خودشان موجود است و ابدأ مناسب نیست که اسم يك دسته در تلگرافات مکرر شود و آنها را مصدر مقاومت بگویند . از مدت يك طرفی شدن کم مانده . در حل قطعی مسئله دولت ایران باید عجله زیاد کند و با حزم و احتیاط و متانت قطع کند . موقع بسیار باریک است و از عاقبت کار بسیار محزون و اندیشناکم .

تقی زاده (۱)

۱- مسوده دیگری از این تلگراف موجود است که از حیث کلمات مختصر تفاوتی میان آن و اینکه نقل شد دیده می‌شود (با خط خوردگی بیشتر چون مسوده اول بوده است) لذا از نقل آن دیگر خودداری می‌شود .



همراه سواد تلگرافهای مذکور در فوق سه ورق به خط شخصی دیگر دیده شد که مضمون مطالب آن همان است که در تلگراف خط اول درج است و من حدس می‌زنم که ابتدا مطلب را تقریر کرده و یکی از همکاران سیاسی او نوشته است و بعداً چون هیچ يك را نپسندیده با تصحیحاتی بصورت مذکور در قبل تحریر و مخابره کرده است. بهر حال متن سایر تلگرافها را نیز نقل می‌کنم زیرا بحقیقت نمی‌توان حکم کرد که کدام يك از صور مختلف این تلگرافها مخابره شده است.



مؤتمن الملك موقع خیلی باریک شده (۱) حتی عذر خواهی از روس امروز عین وطن پرستی است. وزرا بوسیله عدم قبول وزارت کار را به طفره نگذرانند و با فرق اتفاق کامل درین موقع فوراً نکند خیانت به وطن کرده و مشغول هستند. اطمینان به خارجه خود را مشتبه کردن است. اقدامات را به شهادت سفارت انگلیس بفرمایند. عجله کنید که فی التأخیر آفات. بعد از ملاحظه کلیه اطراف کار و تحقیقات کامل عرض می‌کنم که فرق بهر شکلی است باید اتفاق و به دولت کمک نمایند والا در هر صورت خیانت شده وطن در خطر است.



موقع خیلی باریک. ترضیه روس ولو به عذر خواهی بانفاق آراء آزاد واجب. وزراء به ملاحظات غیر مهم استعفا و کار را تعویق نمایند خطر حتمی را به ما نزدیک می‌کند. اطمینان به خارجه خود را مشتبه کردن است. اتفاق با فرق سیاسی و تدارک رفع خطر فوری لازم است.



مجلس بعد از ملاحظه اطراف و تحقیقات در حیرت هستم که درین موقع باریک با دشمن قهار و قادر لجاجت کرده و مملکت را تا پای انقراض می‌برند. مگر يك عذر خواهی (۲) و تاریخ انقراض دول دیگر را نمی‌دانند، و یا مگر مجلس و وزراء ملتفت مسئولیت نیستند که مملکت را به باد می‌دهند ولی اتفاق نمی‌کنند و

استقلال ملت را فدای اعتراض و ملاحظات شخصی می نمایند . به نام وطن و استقلال مملکت استدعا می کنم که این تلغراف در مجلس خوانده شود . موقع فداکاری و اتفاق عموم مجلس و دولت است . عجله بکنید که فی التأخیر آفات .

بعد از ملاحظه موقع هرگز گمان نمی کردم که دولت و ملت سر يك عذرخواهی تا پای انقراض مملکت ایستادگی نمایند . فقط گمان می کنم تیر از شست (۱) رفته است ولی معلوم می شود باز کمی فرصت باقی است (۲) اضطراب این تلغراف را عرض می کنم . مگر کسی در ایران نیست که اهمیت موقع را بسنجد و بداند که دنیا ما را تقیب می کند که سر يك عذری استقلال مملکت را به دست خودمان به باد می دهیم . از جناب عالی شخصاً به نام وطن پرستی التماس می کنم که غیرتی بفرمائید . با قلب مضطرب عرض می کنم به هر حال اتفاق فرق و تشکیل فوری کابینه که تأخیر عذرخواهی را علت می توان قرار داد واجب است . تعجیل بکنید که فی التأخیر آفات .

۱- اصل : شست . ۲- يك كلمه ناخوانا .

از کتاب کلیله و دمنه

... می بینیم که کارهای زمانه میل به ادبار دارد و چنانستی که خیرات مردمان را وداع کردستی ، و افعال ستوده و اقوال پسندیده مدروس گشته ، و راه راست بسته ، و طریق ضلالت گشاده . و عدل ناپیدا ، و جور ظاهر ، و علم متروک ، و جهل مطلوب ، و لؤم و دنائت مستولی ، و کرم و مروت متواری ، و دوستیها ضعیف ، و عداوتها قوی ، و نیک مردان رنجور و مستذل ، و شیران فارغ و محترم ، و مکروخدیمت بیدار ، و وفا و حریت در خواب ، و دروغ مؤثر و مثر ، و راستی مهجور و مردود ، و حق منهزم ، و باطل مظفر ، و متابعت هوی سنتی متبوع ، و ضایع گردانیدن احکام خرد طریقی مشروع ، و مظلوم محق ذلیل ، و ظالم مبطل عزیز ، و حرص غالب ، و قناعت مغلوب ، و عالم غدار ، و زاهد مکار ...